پرچم

وافغانستان دملک دموکراتیک انگلاوئوتیروبوجی

اول ثور ۱۳۴۸

جریان دموکراتیک خلق افغانستان نه تنها مخالف جدی سنگ‌اندازی درراه‌پیشرفت‌گروههای واقعاًملی‌ودموکراتیک، ترقیخواه‌وطنپرست‌می‌باشد، بلکه‌ازضمیم قلب‌و نظر وعمل‌خوا هان آنست که دوش بدوش‌این‌گروهها، دربک جبهه‌مشترک، بجهت‌اهدف مشترک ملی‌ود موکراتیک به‌پیش رود . ولی‌هرگاه کسی‌بخواهد که در راه رشد وتکامل‌جریان دموکراتیک خلق افغانستان، درراه نبرد پرافتخار طبقه کارگر افغانستان ، درراه جنبش‌رهائی‌بخش ملی واجتماعی وطن ما سنگ اندازی کند، دربرابرآن، درچهار چوب‌اصول واخلاق‌مترقی دلیرانه مبارزه خواهیم کرد !

رویدادهای مهم

جهان

تجاوز طیاره‌جاسوسی امریکا

برفلرو کوریای شمالی

هنوز خاطره بحران ناشی از مختلف اوضاع بحرانی شرق‌دور را دستگیر کشتی جاسوسی امریکا (پوبیلو) د ر آبهای داخلی کوریای شمالی از اذهان فراموش نشده‌بود، که تجاوز طیاره جاسوسی امریکا برفلرو کوریای‌شمالی وسقوط دادن آن توسط آن کشور بحران سیاسی دیگری را بو جود آورد. محافل ارتجاعی ومیلیتارستی امریکا با تمام وسایل سعی می‌ورزند‌بدانه نیاهای را دارند .

یك جنرال امریکا نی گفت :

ایالات متحده‌امریکا بیك ملت

نظامیگرو متعرض مبدل گردیده

جنرال شارو پ سا بق فرماندان نول اردوی بحری امریکا در ویتنام طی مصوبن منتشره در روز نامه «نیویورك‌میل» برتانیه اظهار نموده‌است که «امریکا بیك ملت نظامی گرو متعرض مبدل گردیده و آماده است به حل نظامی برایتم های سیاسی‌که سامع آنرا تهدید نماید ، دست بزند» .

جنرال مذکور معترف است که امروز نیز دیپلوماسی کشتی‌جنگی وسیعاً مورد استفاده قرار میگیرد . گرو تمنـد و نیرومنـد سلاح سازی ایالات متحده امریکا بیش ازیك‌ملیون سرباز در کشور های دیگر دارد. ایالات متحده امر یکا با ۴۸ کشور

مخالفت باجنگ ویتنام

بنابه درخواست‌محصلین پوهنتون سدنی درسدد ۱۰۰۰ نفر ازجوانان وجوانان در خارج عمارت حکومت، درپیشاهنگ واحی مرکزی شهر اجتماع نمودند. تاریخ‌نست شدید خودرابخاطر ادامه جنگ بجاوز کارانه در ویتنام به حکومت ملبورن ارسال کردند. هدف عمده مظاهره برون کشیدن قوای استرالیا وبستگی دیگر در ویتنام بود.

از ویتنام، خاتمه دادن به جنگ ویتنام وامتناع از شمول در اردوی استرالیا بود. وقتیکه عدهئی ازمظاهره کنندگان عناصر اخلالگر و تخریبکار راکه در جریان متینگها و تظاهرات تفتین و تلاش میکردند تا مظاهرات را از مسیر اصلی آن برون کشند و برای حمله پولیس بهانه دهند ، افشاء نموده ، فعالیتهای اشتراز خنی واز صفوف خویش خارج ساختند . این عده مبلغین خرابکار مربوط به ارتجاع داخلی ، سیاو دیکر شبکه های جاسوسی امپریالیستی جدا از تظاهرات و به اعتصاب وتظاهر زده وقطعنامه‌ایرا

پیامدهای نظامی یا منبع مشکلات اقتصادی وعامل فقرکشورهای عضو

کشور های عضو پیمان اتلانتیك شمالی دوطول مدت ۲۰ سال‌گذشته ۱۲۰۰۰۰۰ ملیون (یك ملیون و سه صد هزار ملیون) دالر مصرف امور تسلیحاتی خود نموده اند. این مصرف غیر تولیدی اکنون سالانه به پیش از ۱۰۰،۰۰۰ (یکصد هزار) ملیون دالر بالغ می‌گردد .

اتلانتو ناتو بالاتهای طویل‌المدتی را برای تسلیحات مزید روبدست دارد.

پیشنهاد تجدید مشاوره ازطرف اتحاد شوروی

وزارت خارجه اتحا د شوروی به وزارت خارجه کشورهای عضو پیمان سفارت چین پیش‌شده است، درضمن پیشنهاد نموده است که مشاوره‌های مجدد بین نمایندگان‌حکومات شوروی وچین آغاز شود . حکومت شوروی اظهار نموده که حاضر است‌مشاوره‌ها تاریخ ۱۵ اپریل درماسکوویاهروقت دیگریکه برای طرف چین مساعد باشد، آغاز گردد .

حکومت شوروی درراعلامیه۲۹مارچ خود طرفداری نموده است که نمایندگان رسمی شوروی و چین مشاورات خودراکه در ۱۹۶۴افتتاح گردیده بود، درآینده نزدیك از سر بگیرند .

درداد داشت‌وزارت‌خارجه شوروی

در سر اسر هفته گذشته هزاران شاگرد لیسه های مرکز (کابل) بخاطر اظهار همبستگی و همدردی باشاگردان لیسه نجات به تظاهرات دامنه داری دست زدند. تظاهر کنندگان عناصر اخلالگر و تخریبکار راکه در جریان متینگها و تظاهرات تفتین و تلاش میکردند تا مظاهرات را از مسیر اصلی آن برون کشند و برای حمله پولیس بهانه دهند ، افشاء نموده ، فعالیتهای اشتراز خنی واز صفوف خویش خارج ساختند . این عده مبلغین خرابکار مربوط به ارتجاع داخلی ، سیاو دیکر شبکه های جاسوسی امپریالیستی جدا از تظاهرات و به اعتصاب وتظاهر زده وقطعنامه‌ایرا

در سر اسر هفته گذشته هزاران شاگرد لیسه‌های مرکز بخاطر پشتیبانی

از خواستهای صنفی شاگردان لیسه نجات دست به تظاهرات زدند

ازکوشه‌های شهربه‌تخریبات‌وتبلیغات مرتبط دست زدند .

مطالبات و خواستهای صنفی شاگردان لیسه نجات که در بیانیه‌ها و قطعنامه های آنان اظهار گردید ، مورد پشتیبانی هزارها جوان و شاگردان (لیسه‌ها) قرار گرفت : درقطعنامه شاگردان لیسه نجات در پایان مظاهره روز ۲۷ حمل گفته میشود که :

ماشاگردان لیسه نجات بمنظور برآورده شدن خواستهای صنفی خویش و علیه روش خصمانه معلمان آلمان فدرال در برابر شاگردان ، سیستم درسی وامتحانات‌غیرعادلانه، معارف استعماری و ارتجاعی دست به اعتصاب وتظاهر زده وقطعنامه‌ایرا قبلا دربنمورد به مقامات وزارت معارف تسلیم داده‌ایم ، ولی مقامات مربوط نه‌تنها عمل مثبتی را درین زمینه انجام نداده ، بلکه دست به اقدام غیر قانونی و تحریك آمیز زندانی کردن یکعدهاز از همصنفان ما نیز زده‌اند .

بنابران در برابر این اعمال ضد قانونی وخود سرانه اعتراض‌مینمائیم وجداً میخواهیم :

ـــ همصنفان توقیف شدهٔ ما هرچه زودتر آزاد گردند .

ـــ وزارت معارف خواستهای قانونی مارا که طی قطعنامه اول به آن وزارت سپرده شده است ، برآورده سازد .

شاگردان لیسه نجات از تمام شاگردان وجوانانیکه بعنوان‌همدردی وهمبستگی بدون هیچگونه استفاده‌جوئی بالاآنها همنوائی کرده انـد ، سپاسگزاری نموده و اعمال تخریب آمیز عناصر اخلال گر و عمال فتنه‌گر و نفاق افکن ارتجاع و شبکه‌های جاسوسی امپریالیستی زده را تقبیح ومحکوم کردند .

درچریان تظاهرات شاگردان‌شعار میداده‌اند که :

ـــ به سیستم معارف‌استعماری ودرافغانستان خائمه داده شود!

ـــ مافرهنگ ومعارف‌ملی‌ومترقی میخواهیم !

ـــ نابود باد فرهنگ ارتجاعی و استعماری !

ـــ مرگ بر ارتجاع واستبداد !

در درون تظاهرات شاگردان‌شعار میدادند که :

ـــ مرگ بر امپریالیزم امریکا !

ـــ مرگ بر ارتجاع !

ـــ زنده باد خلق وحدت خلق !

ـــ زنده باد دموکراتیک خلق افغانستان !

ـــ زنده باد دموکراسی و آزادی !

ـــ زنده باد صلح جهانی !

مسأله امنیت اروپا و اتلانتیك ازهمه

یك مسألهٔ صلح است

ریمانفد شمنلا ین سیاست مـدار برجسته وعضو اسامیله ملی فرانسه به نمایندهٔ آژانس نوو سنی اظهار داشت که: «امنیت اروپا یك برایلم برای امنیت اروپا در موافقت نزدیك بین فرانسه واتحاد شوروی میباشد که باسنن تاریخی مطابقت دارد. من معتقدم کـه درس تاریخی به مـردم اتحاد شوروی وفرانسه نشاندا ده است بهتر است باهم یکجا باشند تاجدا.»

دراخیر، شمتلاین در ضمن‌تماس به درخواست دول عضو پیمان‌ناتو‌راسا گفت: «من باور دارم که درخواست بوداپست‌یك درخواست مثبت‌است» باید اروپا بداند‌که خطر از کدام‌سو تهدید می‌نماید. طوریکه معلوم است فرانسه از سازمان نظامی ناتوخارج شده، بدینمعنی کـه مـا دوستان آن سازمان نیستیم، اروپا باید بطریقی مانند سال گذ شته نصاب شمول به پوهنتون نانبرهٔ (۴۵) پائین‌بیاید و به اینصورت دراثر مبارزهٔ پیگیـر

امریکادرویتنام جنوبی

مصروف آدمکشی است

بازدید نموده است .

نماینده نیویارك تایمز در رابور ارسالی خود اعتراف می‌نماید کـه فرقه نمبر ۹ پیاده امریکاکه درمنطقه عملیات می‌نماید، روزانه کم از کم صد نفر از افراد می‌کناه یقتل میرساند. وساحات وسیعی را هدف بمباران طیاره وتوپچی قرار میدهد

ولی، شیوه های وحشیانه جنگ برای منجاوز پیروزی بـار نیاورده است. وطنبر ستا ن مانند گذشته قسمت اعظم ناحیه دلتای میکانگ‌را ۲۱ ملیون نفوس آن، باخود دارند ومعنویات آنها بلند است .

مظاهرات واعتصابات

نیویارك :

درشهر های بزرگ وبر جمعیت امریکا مظاهراتی برضد جنگ ویتنام صورت گرفت. در هوستن محصلین شعار میدادند: «نکسن! جنگ‌طالمانه ویتنام را بس کن!» در تظاهرات سانفرانسیسکو یکنفر استاد پوهنتون در سخنرانی خویش سیاست حکومت امریکا را شدیداً موردانتقاد قرارداده گفت: «جنگ ویتنام اقتصاد، اعتبار وحیثیت امریکا را شدیداً لـکه دار ساخته است.»

همچنان محصلین (۱۵۶) پوهنتی مختلف امریکا طی نامه‌ئی به نکسن، غیر انسانی کار فرمایان و حکومت ارتجاعی شدیداً اعتراض می‌نمایند . کارگران خواهان باز گشت کارگران محصلین درنـامه خـود بـه نکسن می‌نویسند :

ـــ ماازین جنگ‌را یك‌جنگ طالمانه می‌پنداریم :

ـــ مخالف خون ریزی در ویتنـام میباشیم :

ـــ ما در این جنگ بلید شرکـت نمی‌کنیم :

این جنگ ضد آزادی و استقلال وضد بشریت است .

یونس آریس :

در ارجنتاین ده ها کارگر دست به اعتصاب زدند. ایشان برضدروش غیر انسانی کار فرمایان و حکومت ازناامیرده تقاضا نموده اند تا امریکا جنگ طالمانه ویتنام را قطع کند .

شماره‌پنجم‌سال‌دوم‌دوشنبه۱ـ ثور۴۸ـ۲۱، اپریل ۶۹، شماره‌مسلسل ۵۷

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

عمر فیض- کلکسیون پرچم اهدا برای آن هایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

پرچم

اطلاعیه

درین اواخر باردیگر یکعده فتنه‌گران، اجنتهای (سیا) و عناصر مشکوك مربوط به شبکه های تخریبی‌وجاسوسی ارتجاع داخلی وامپریالیزم بین‌المللی علناً ظاهر شده‌اندکه در زیر ماسکهای دروغین خلق‌خواهی ووطن خواهی و انقلابیگری‌علیه جریان اصیل دموکراتیك خلق افغانستان، پرچم‌خلق‌ناشر اندیشه‌های‌آن و شخصیت های ترقیخواه وطنپرست به تخریبات ، اتهامات ،دسایس و حتی تهدید به ترور و دهشت افگنی دست میزنند .

مصالح عالیه افغانستان وپیروزی‌جنبش ، از تمام خلق نجیب و تمام محافل روشنفکر وطنپرست کشورمیطلبد که هشیاری خود را دربرابر این اشخاص ماسك دار حفظ کنند ونگذارند که چنین عناصر تخریبکار، جنبش رهائی بخش ملی و اجتماعی‌کشور را (منجمله بوسیلهٔ تبلیغات زهرآگین و اتهام زدن به عناصـرشریف ووطنپرست) بشکست‌مواجه سازند ، اتحاد و همبستگی تـمام‌اشخاص ، محافل و جریانات واقعا ملی و دموکراتیك ، ترقیخواه وطـن‌پرست دابرهم‌بزنند ومردم افغانستان را مطابق به نقشه ارتجاع از دموکراسی وآزادی دلسرد سازند .

وظیفهٔ تمام جوانان‌پیشدار‌نبفت‌اعم از ژکاژگران ، محصلان وروشن‌فکران کشور است‌که ماسکهای‌چنین‌اشخاص مخرب را بر اندازند . آنها را بادلیری و شهامت از جریـان‌نبفت تجرید نمایند و جواب دندان شکن دهند .

زنده باد خلق ودوستان خلق آزاده افغانستان !

دست توطئه گران امپریالیست‌از نبفت رهایی بخش‌ملی‌واجتماعی کشور ما کوتاه !

خبر تیا

یدی وروستیو وختوکی‌بیایوشمیرفتنه اجونکی د(سیا) اجتنان او به تخریبی شبکو پوری مربوط مشکولاًعناصر او دداخلی‌ارتجاع اوبین‌المللی امپریالیزم جاسوسان ، علنا ظاهرشویدی چه د خلك غوښتنې، وطن غوښتنې او انقلابیگری تر دروانجن‌نقاب لاندی ، د افغانستان دخلك دموکراتیك اصیل جریان و دخلك‌پرچم دهغه د د موکراتیك افکارو خیرووتگی او د ترقی غوښتونکو وطنپرستو شخصیتونو پرضد ، په تخریباتو، تورونو، دسیسو او حتی‌دترور اودهشت غورځولو په تهدید لاس پوری کوی .

دافغانستان عالیـه مصالح او د نبفت بری، دهیواد له پولو نجیبو خلکو اوپولو وطنیالو منورو محافلوخخه، غوښتنه کوچه خپله وښیاری دډی نقاب اولرلوکو عناصروپه مقابل کې‌وساتی اوپری‌نږدی‌چه‌داتخریبکاره عناصر، دهیوادملی اواجتماعی آزادی‌بخښونکی نبفت (من جمله‌دژهرجنو تبلیغاتو او بـه شریفو وطنپرستوعناصرو باندی د اتهام به وسیلـه) له ماتی سره مخامخ کاندی او دټولواشخاصو، د واقعا ملی، دهوکراتیکو، ترقی غوښتونکو اووطنپالونکومحافلواوچریانانو اتحاد او پیوستون وبیچارگی د افغانستان خلك ـ دارتجاع‌له نقشی سره سمه له دموکراسی او آزادی نه ژړه تون کاندی .

په نبفت‌کې‌دهیواد دترمختلونکوټولو ژمنلیو، اهم له کارګرانو ، محصلانو اومنورینو، وظیفه ده چه‌جدیغسی مخ‌بر و اشخاصو نقابونـه وغورځوی،هغوی‌به زورزیاتیدونکی نبفت نه کوښی کاندی او خوله ماتونکی خواب ورکړی .

ژوندی دی‌وی خلك اودافغانستان‌آزاده خلکو دوستانو !

ژمونږ دهیواد له ملی اواجتماعی‌آزادی بخښونکی نبفت نـه دی، دامپریالیستو توطئه‌گرانوکلس‌لنډوی!

پرچم، ناشر اندیشه‌های

جریان دموکراتیك خلق افغانستان است!

تجربیات جریا نهای پیشاهنگ‌عصر ما نماینده این حقیقت انکارناپذیر است که وقتی پای ضرورت ایجاد وتاسیس سازمان واحدسیاسی‌طبقهٔ کا ر گر و بخش ایـه‌تولـوژی‌پیشرو آن پمیان آید، نشر مطبوعات برای سر تاسیر کشور، نخستین‌قدم‌اساسی درراه تامین‌این آرمان‌ارجمنده‌محسوب می‌شود .

بادرك دقیق این اصل مسلم علمی بود که سه سال قبـل «پیشروان ومبارزان‌دموکراتیك خلق بعداز انقاد فرمان تقنینی مطبوعات تصمیم برآن گرفتند تا به منظور پیدا‌ری‌شعور اجتما عی و نجات خلقای مظلـوم افغا نستان از زیـر سنتم طبقـات ومحافل حاکمـه و همبستگی محافل مترقی از جهت تشکیلاتی‌واید‌تولوژی از طریق تـا سیس جریدهٔ سیاسی برای سراسرافغانستان آغازبه‌فعالیت کنند و نخستین گـام عملی در راه ایجاد سازمان‌بردارند.سپرك (کارمل) مقاله وسایل و راههـایکه آرمانهای خلقهای ستمدیده افغانستان و مرام د موکـراتیك خلق را بـه پیروزی میرساند در شماره هـای ۴،۳ وه جریده خلق » .

همان‌بودکه جریان دموکراتیك‌خلق توانست در اثـر تصمیم دستجمعی واقدام بهنگام‌واستفاده ازارزشهای دموکراتیك قانون اساسـی و قـانون مطبوعـات کشور ، امتیاز نشراتـی جریدهٔ خلق (ناشرافکار دموکراتیك خلق) را بدست‌آورد. وظائف‌تاریخی این جریده درنخستین قسمت مقاله فوق‌الذکر (وسایل و راهـها . . .) چنین توضیح گردید .

= نشریه ، تعمیم، تبلیغ، ترویج مرام دموکراتیك خلق که درشمـاره اول ودوم جریدهٔ خلق وسیعاً انتشار یافت .

ـــ نشر وتبلیغ تئوری وجهانبینی علمی که سلاح‌نجات خلقهای‌زحمتکش ومعرف مبارزهٔ طبقاتی بشمار میرود و سیستم یکپارچه و موزونی از مجموعهٔ نظریات فلسفی، اقتصادی، اجتماعی وسیاسی راتشکیل میدهد.

ـــ انعکاس « رنجهای بیکران خلقهای ستمدیده ، افغانستان » وافشای زور گویان وستمگران‌طبقات حاکمه و نمایندگان مدافع آنها که بالای خلقها ی کشور جبـر وستـم مینمایند .

ـــ نشرات به منظور بیداری‌شعور طبقاتی، سیاسی واجتماعی خلقها ، جریدهٔ خلق ازلحظه اولـین وعـده‌ئی وظیفهٔ اساسی خود میدانند که‌منحیث یك رژیـدهٔ اساسی‌اتصال، باحسن‌نیت وطبـق اصول علمـی و احتـراز از خرده‌کاری تمام نیرو های ترقیخواه دموکراتیك ، تمـام و طنپرسـتان و فرزندان صدیق وطن‌واشیها‌متترین مدافعان منافع خلقهـای ستمکشی ومحروم را دریك جریان ویك‌سازمان سیاسی د مو کـراتیك خلق متشکل

(ص ۲)

سال جدید بنابر پالیسی اختناق فرهنگ ملاکـی در آن مسلط است، درجامعهٔ طبقاتی ما درآخرین تحلیل زیادترین امتیازات، منحصله‌تحصیلات عالیتر درانحصار طبقات مرفه الحال قرار دارد وعملا عـدهٔ بیشماری از فرزندان با استعداد طبقات محـروم از تحصیلات عالی و اطرافی کشور مجال تحصیلات عالی را ندارند .

تـاسـف آور است، د ر کشور ۱۶ ملیونی ما که برای رشدواتکشاف سریع آن به پرسنل فنی و اداری دارای تحصیلات عالی ومسلکی‌احتیاج مبـرم و جـود دارد ، هـزاران فارغ‌التحصیل مکاتب، بیکار و آواره فارغ‌التحصیل میباشند . حـالت آور است که مجموع تمام تعداد محصلان پوهنتون کابل بشمول پولیتخنیك و پوهنځی طب نگرهای ملاکـی در آن مسلط است، درحالیکه تنهاپوهنځی اقتصاد دولت هم اکنون افغانستان برای رشـد عـادی اقتصادی ، اجتماعـی وفرهنگی خود به درحدود ۲۱ هزار پرسونل فنـی و متخصصین دارای تحصیلات عالی و اختصاصی نیازمند است، ولی مقامات حاکمه افغانستان بنا بـر فساد دستگاه اداری دولت وپالیسی‌های نادرست وکندی رشد اقتصادی واجتماعـی داد ا ز «مازاده فارغ‌التحصیل‌میزنند. خنده‌آورآست، وزارت معارف ادعا دارد که آهنـگ رشـد معارف سریعتر از رشد معیوب اقتصادی کشورمیباشد. ما بصراحت اعلام میداریم که مقامات حا کمـه افغانستان قصداً و علی‌رغم منـافـع عالیهٔ ملی کشور و اصل بیشرفت سریع جامعه دربرابر رشد و توسعه معارف وجلوگیری از رشد استعداد جوانان دست به کـار شکنی هـای مشهودی میزنند که نمونهٔ مشخص‌آن سرگردانی ویلا تکلیفی عدهٔ زیـادی از فارغ التحصیلا ن بر استعـداد لیسه هـای مرکـز و ولایات کشور میباشد .

بهآقایان وکلاکه وجودا حزاب‌را در کشور رد میکنند خاطـر نشان میگردد که تا طبقات مختلف دریك جامعه موجود باشند ، وجـود احزاب یك امر حتمی و ضروری‌است وبدون مفهوم خواهدبود . روی این حقیقت سر سخت بود که واضعین قانون اساسی نعد ا ز سالها‌استبداد در کشور مجبور گردیدند در مادهٔ ۳۶ ـ این‌قانون، احزاب سیاسی را مجاز گردانند . لذا کسانیکه تشکیل آزاد احزاب سیاسی را درافغانستان رد مینمایند هم مخالف صنا خت‌علمی جامعه ، هم مخالف اصل دموکراسی وهم مخالف قانون اساسی و منافع ملی افغانستان حرف میزنند و در حقیقت ازاستبداد وارتجاع‌نمایندگی ودفاع میکنند .

راجع به سن شمول در احزاب‌باید یادآور شد که علی‌رغم‌تصمیم‌ناشایسته اکثریت اعضاء مجلس ، ماقبلا نیز در اجلاس گذشته ضمن توضیحات مفصل مطابق به منافع مردم‌افغانستان ومطابق به آزادی های مصرح در قانون اساسی و مطابق به اصـول دموکراسی ، بین سن ۱۸ و ۲۰ را سن قانونی شمول در احزاب اعلام کرده ایم . زیرا هرگاه سن ۲۵ را شرط شمول در احزاب قبول کنیم در حقیقت صدها هزار جوان کارگر، دهقان ، محصل و روشنفکر وطن‌را که بین سن ۲۰ و ۲۵ زندگی میکنند ونیروی فعال جامعه بشمار میروند، ازحقوق مسلم دموکراتیك‌شان‌محروم کرده ایم که البته این طرز تفکر را جداً محکوم میسازیم . لذا ماتاییدو پشتیبانی جدی خودرا ازین پیشنهاد که باید شرط سن شمول دراحزاب از ۲۵ به ۲۰ پائین آورده شود ، اعلام میداریم .

فرکسیون پارلمانی دموکراتیك خلق افغانستان از تشکیل آزاد احزاب سیاسی و پائین آوردن سن شمول

دراحزاب ازسن (۲۵) به سن (۲۰) دفاع کرد

اخیرا دراثر پیشنهاد عدهئی از وکلا شورای تصویب گردید و غرض طی مراحل کامل قانونی آن به توشیح سپرده شد . ولی از آنجائیکه مدتی نظرات مختلفی در زمینه‌ابراز گردید. لیکن این مساله بعنوان آنکه تاکنون قانون احزاب در اجلاس گذشته شورای جرگه جهت پائین آوردن سن شمول به احزاب از سن ۲۵ به ۲۰ مطرح بحث مجلس قرار گرفت و سپری گردید واین قانون نتوانست مراحل کامل قانونی خودرا طی‌نماید، از توضیح نگذشته با اکثریت آراء وکلا از اجتماع مباحث ولسی جرگه بیرون کشیده شد .

فرکسیون پارلمانی دموکراتیك خلق افغانستان حین‌طرح مساله در ولسی‌جرگه یکبار دیگرضمن بیانیه‌ئی نقاط نظر خودرا در زمینه چنیـن تصریح کرد :

بهآقایان وکلاکه وجودا حزاب‌را در کشور رد میکنند خاطـر نشان میگردد که تا طبقات مختلف دریك جامعه موجود باشند ، وجـود احزاب یك امر حتمی و ضروری‌است وبدون مفهوم خواهدبود . روی این حقیقت سر سخت بود که واضعین قانون اساسی نعد ا ز سالها‌استبداد در کشور مجبور گردیدند در مادهٔ ۳۶ ـ این‌قانون، احزاب سیاسی را مجاز گردانند . لذا کسانیکه تشکیل آزاد احزاب سیاسی را درافغانستان رد مینمایند هم مخالف صنا خت‌علمی جامعه ، هم مخالف اصل دموکراسی وهم مخالف قانون اساسی و منافع ملی افغانستان حرف میزنند و در حقیقت ازاستبداد وارتجاع‌نمایندگی ودفاع میکنند .

مبارزات پیـگیر وقانونی

داوطلبان‌شمول به پوهنتون به‌پیروزی‌رسید

طی نکرهای به بیش ازپنج هزارنفر نمیرسد، درحالیکه تنهاپوهنځی اقتصادیات دولت هم اکنون افغانستان برای رشـد عـادی اقتصادی ، اجتماعـی وفرهنگی خود به درحدود ۲۱ هزار پرسونل فنـی و متخصصین دارای تحصیلات عالی و اختصاصی نیازمند است، ولی مقامات حاکمه افغانستان بنا بـر فساد دستگاه اداری دولت وپالیسی‌های نادرست وکندی رشد اقتصادی واجتماعـی داد ا ز «مازاده فارغ‌التحصیل‌میزنند. خنده‌آورآست، وزارت معارف ادعا دارد که آهنـگ رشـد معارف سریعتر از رشد معیوب اقتصادی کشورمیباشد. ما بصراحت اعلام میداریم که مقامات حا کمـه افغانستان قصداً و علی‌رغم منـافـع عالیهٔ ملی کشور و اصل بیشرفت سریع جامعه دربرابر رشد و توسعه معارف وجلوگیری از رشد استعداد جوانان دست به کـار شکنی هـای مشهودی میزنند که نمونهٔ مشخص‌آن سرگردانی ویلا تکلیفی عدهٔ زیـادی از فارغ التحصیلا ن بر استعـداد لیسه هـای مرکـز و ولایات کشور میباشد .

یکعده از جوانان بااستعداد که آرزوی تحصیلات عالی را داشتند، دربرابر قیودیکه مانع‌ادامهٔ تحصیلات شان می‌گردد، از خود دلبرانه‌مقاومت نشان دادند، متینگ هائی‌را درصحن پوهنتون تشکیـل کـرده و بـه مظاهرات قانونی ومسالمت آمیـز دزدند .

پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیك‌خلق افغانستان

هره دوشنبه خبریزی

داماتیاز خاوند او مسؤول مدیر : سلیمان لایق

آدرس : زرلیشت مارکیـت ـ محمدجانخان واټ، کابل ـافغانستان

تیلفون : ۲۳۱۶۴

دیوی گنی بیه: ۲،۵۰ ـ افغانی

داشتراك بیه

به‌کابل کښی دکال: ۱۲۵ ـ افغانی

« ولایاتو او پوښتونکـ کښی دکال ۱۴۰ «

به پاکه‌نیو هیوادو کښی: ۱۵ دالر

دجاری حساب نمبر به پښتنی‌تجارتی بانك کښی ۳۸۵۳

مطبعه دولتی

رفقا،دوستان، آزادیخواهان، وطنپرستان، تمـام‌گروه های ملی ودموکراتیك ! علیه تفرقه جـویان ، نفاق افگنان، فتنه‌گران واخلالگران دردرون‌نبفت مبارزه‌کنید، ماهیت آنهارا تشخیص دهید، آنهارا ازصفوف‌مبارزه رهائی‌بخش‌ملی‌واجتماعی کشور خارج سازیدواتحادوهمبستگی‌صفوف خودرا تامین‌کنید!

یکی از مسائل بسیار حاد ومهم درجنبش کنونی جامعه‌ما عبارتست‌از حرف زدن نیرو های مترقی و چپ (زیرنام تئوری پیشرو) بزبان های مختلف و وجود خصلت مرحله کودکی، خرده گیری وخرده ـ کاری و محفل بازی که اختلافات بسوی جهانی آنرا بصورت روز افزونی تشدید می‌نماید.

اصطلاحات رویزیونیزم معاصر ، سازشکاری وابن‌الوقتی، سوسیال ـ امپریالیزم، مدافعین استعمار نوین، جواسیس ارتجاع ،خائن، تبانی باامپریالیزم ، وغیره وغیره همه شعار های مود روز است که بی‌مسؤولیت وکاملا بیمورد ووسیعا درجریان مبارزات‌روزمره درمباحثات وتبلیغات از طرف عناصر و محافل به اصطلاح مترقی علیه نیروی اصیل انقلابی بکار برده میشود و ارتجاع وامپریالیزم از آنها به نفع خود بهره برداری میکنند. این شعار ها به قدری پرطمطراق درهمه جا، در تظاهرات ومتینگ ها و اعتصابات، بدون دقت وسنجش وناشیانه‌تکرار میشودکه ترس آن‌میرود خلق‌کشورما به جریانات پیشرو وترقیخواه بنظر شک وتردید بنگرند ودر نتیجه بطور کلی ایدیالوژی طبقه کارگر (سوسیالیزم علمی) درافکار عامه‌خلق خدشه دار گردد. هم‌اکنون درمیان مردم وروشنفکران کشور این جمله تکرار میشود که «مطلب نباید باین سادگی باشد!» زیرا آنها هنوزبکنهه اختلافات موجود، بین جریانات‌مترقی پی نبرده اند. منافع طبقه کارگر و تمام خلق زحمتکش کشور ایجاب میکند که باین وضع خاتمه داده‌شده وپا بمرحله نوین جنبش گذاشته شود. البته نباید از نظر دور داشت که کشمکش بین جریانات مختلف درزمینه ایدیالوژی سوسیالیزم در کشورما، در این مرحله یك پدیده منحصر بفرد نیست، بلکه «قانون‌عام» کشور های مشابه به افغانستان میباشد، ولی البته این مسأله بمعنی آن نیست که هیچگاه (وحتی هرچه زودتر) باین مرحله پایان داده‌نشود.

این مطلب برهمه کس معلوم‌است که متاسفانه آتش‌مبارزه بین‌جریانات چپ جهان برافروخته شده است. ولی سوال در اینجاست که آیا نیرو های ترقیخواه افغانستان وظیفه دارندکه آتش افروزی کنند ودراین آتش روغن بیاندازند و یا اینکه منحیث وظیفه و مسؤولیت ، مطابق به شرایط خاص کشور سعی کنندکه بربنای اصول‌واحکام‌جهان بینی‌علمی، نخست‌در‌وضع‌موجود، درچهارچوب‌ملی اختلافات خودرا حل نمایند وازبروز اختلافات غیر اصولی وهلاکت بار وبی‌مورد در داخل کشور جلوگیری نمایند. عقل سلیم حکم میکندکه باید حد اقل شایستگی و بلوغ خودرا درجنبش رهائی بخش ملی واجتماعی کشور بدون دستوروفرمان کدام مقام خارجی، نشان داد، تابتوان به جرأت وبه شایستگی وظایف خود را مطابق به تئوری علمی پیشرو در عرصهٔ ملی وبین‌المللی ایفا کرد .

باید درنظر داشت که در جنبش کنونی جامعه ما بصورت روز افزون جوانان‌بطورعمومی بسوی‌سوسیالیزم گرایش پیدا مینمایند، ولی بصورت گروه های مختلف ومتشکل ازاعضای نا متجانس. متاسفانه عوض اینکه این نیرو های پیشدار در زیر یك پرچم واحد وبرای‌مبارزه بادشمن مشترك پیرامون هم جمع شوند ، لبهٔ تیز تیغ مبارزه را علیه یکدیگر بکار میبرند. این امر یکی ازمسایل عمده وحاد جنبش ماست که بصورت آشکار ارتجاع وامپریالیزم از آن بسود خود بهره برداری میکنند. لذا باید بحکم وظیفه مترقی ومنافع عالیه خلق کشور باین وضع پایان بخشید .

نکته دیگر اینکه باید هرچه‌زودتر جنبش را از تقلید بنده وار ... وازآنهم بدترمیمون واروفرمانبرداری مستقیم‌وغیر مستقیم از «اوامرنسخه دهندگان انقلاب» آزاد ساخت وبآنها اجازه نداد که درامور داخلی‌جریانات پیشرو افغانستان ، چون فرماندهان نظامی مداخله کنند و خصومت بی مورد وافتراق مصنوعی را درمیان نیرو های‌ترقیخواه افغانستان دامن زنند. این آقایان‌اجازه دهند(!) که نیروهای ترقیخواه کشور خود برمبنای اصول‌واحکام جهان‌بینی‌علمی و انطباق آن در شرایط مشخص افغانستان وبراساس تجربه‌جریانات اصیل پیشآهنگ دیگر ملل جهان وتجربه خودراه نجات خلق رنجدیده کشور را جستجو کنند وبر مبنای سوال «چه باید کرد؟» مسایل حاد جنبش رهائی بخش ملی و اجتماعی خودرا در مرحله کنونی حل‌نمایند.

چه باید کرد ؟

باید وضع موجودرا از میان برداشت!

متأسفانه اکنون عده‌ئی از جوانان کشور ما نا آگاهانه به بهانه «آزادی انتقاد» که قصه طبل‌میان‌خالی را بیاد میآورد، جز فحش و دشنام ونعره بازی دیگر کاری ندارند .

بنابران ایجاب می‌نماید که باید درشیوهٔ مبارزه برمبنای تئوری‌علمی انقلاب وانطباق خلاق آن در شرایط جامعه تغییراتی بوجود آید وراههای حل اختلافات میان نیرو های مترقی وپیشرو کشورجستجوگردد وشرایط لازم وحدت واتحاد این نیرو ها آماده شود .

نکته مهم اینست که وقتی‌ما‌اصل وحدت واتحاد میان نیرو های پیشرو را مطرح میسازیم، هیچگاه مطلوب‌ما جمع‌بندی پرنسیپ های‌متناقض بشیوه‌التقاطی، «پرنسیپ فروشی» و «گذشتهای ایدیالوژیك وتئوریك» بوده نمیتواند، زیرا قبول این امر بمثابه تسلیم شدن به‌ایدیالوژی بورژوازی‌وخیانت به اصول جهان بینی علمی است . از آنجائیکه درشرایط کشور ما هنوز غیر از جریان رشد یابنده ترقیخواه پیشرو دموکراتیك خلق افغانستان، یك عده محافل وگروپ های دیگر مترقی نیز هستند وهنوز حسابهای شانرا از لحاظ بلند پروازی های شخصی، انحراف راست و «چپ» تصفیه نکرده اند، لذا نمیتوان انتقاد ومبارزه را درزمینه تکتیك و تئوری ازمیان برداشت. ولی نکته مهم دراینست که باید انتقاد سلیم واصولی بوده ومبارزه در چوکات احکام جهان بینی علمی (نه براساس فحش، اتهام ودشنام) صورت‌گیرد. این درست است که «پیش ازآنکه متحد شویم وبرای آنکه متحدگردیم ابتداء بطور قطعی وصریح لازم‌است خط فاصلی بین خود قرار دهیم» **ولی** به هرحال‌نباید این «خط فاصل» بر اساس اراده فردی بصورت مصنوعی ومیکانیکی،چون«دیوارچین» کشیده شود وامکانات هرگونه‌مفاهمه دوستانه ورفیقانه از میان برود وبازهم علی‌رغم اصول تئوری‌پیشرو مبارزه آشتی پذیر عمداً و قصداً به مبارزه‌آشتی‌ناپذیر، آنهم‌بنابرحکم آمرانه ... وتوأم با دروغ بافی ودسیسه تبدیل گردد .

واقعیت اینست که یکی از مسایل دیگر حاد نیرو های پیشرو کشور ما درجنبش رهائی بخش ملی واجتماعی درپهلوی فقر کرکتر توده ئی، فقر تئوری است. اینکه در شرایط کنونی وطن ما افغانستان وظیفه اساسی سیاسی و سازمانی ماست تاهمه خلق را از یوغ انواع واشکال مختلف ستمها نجات‌دهیم، یك مسأله آشکار است. ولی نباید ازیاد برد که «نقش مبارز پیشرو را تنها حزبی می‌تواند بازی کند که تئوری پیشرو رهبر آن باشد». متأسفانه بایدادعان کردکه یکی از عوامل مهم هرج‌ومرج فکری وسنگ‌اندازی درمیان‌نیروهای ترقیخواه پیشرو کشور ما در وضع کنونی ، همانا فقر تئوری است .

بایدهرچه‌زودتر بخصوص‌روشنفکران مترقی ما در ضمن تجدید تربیت خویش توجه خودرا در ردیف مبارزه سیاسی واقتصادی بیشتر وعمیق تر به تئوری پیشرو معطوف سازند، تابزبان یکدیگر آشنا گردند. زیرا اقلا تاالفبای واحد مبارزه مترقی آموخته نشود چطور میتوان حرف یکدیگر را درك کرد واز مرض ساده کردن مسایل و پدیده ها و خرده گیری های کین توزانه نجات یافت .

تئوری پیشرو کسانی راکه حرفاً وبصورت جامد بدون پیوند عمل باتئوری بدنبال اشکال کاملا محدود فعالیت عملی میروند وآنرا باچند شعار پرازفحش ودشنام مود شده هم آغوش میکنند و در منجلاب اپورتونیزم چپ ویاراست می لغزند، محکوم ساخته است .

باید خاطر نشان ساخت که‌برای زحمتکشان افغانستان آزمایشهای بینهایت مشکل درپیش است. در اغلب کشور های مشابه افغانستان اقلا کارگران وپیشآهنگ آن مراحل کودکی، محفل بازی وخرده کاری‌های مختلف‌راسپری نموده ودرحصارهای دژ ارتجاع نفوذ کرده اند . ولی ما تاکنون حتی باديوار های قلعه ارتجاع فاصله زیاد داریم. به همین جهت است که باید جنبش مترقی را که درمرحله ابتدائی خوداست،باعزم وانرژی بیدریغ مبارزه، با سلاح تئوریك و پراتیك مجهز بسازیم تابتوانیم خودرا سزاوار وشایسته واقعاً یك‌جریان‌مترقی پیشروو‌صدیق درعرصه ملی وبین‌المللی نشان‌دهیم.

مسأله دیگر حاد درجنبش مترقی همانا عدم تأمین تناسب دیالکتیکی میان جنبش خود بخودی کار گران ودیگر طبقات و اقشار دموکراتیك وگروهای پراگنده‌وتجرید شده‌است، که‌عده‌ئی‌عملا‌به‌شیوه «اکونومیستها» به نقش عناصر آگاه در جنبش دموکراتیك وکارگری ، به نقش سازماندهی وفهم سوسیالستی ونقش تئوری سوسیالستی کم بها میدهند وبیشتر به عنصر ابژکتیف یا خود بخودی تکامل میچسپند، عده‌ئی دیگری بدون درنظر گرفتن شرایط عینی وباز هم عجیب تر وبدعت آمیز تر اینکه بدون در نظر گرفتن عملا رهبری طبقه کارگرورشد وتکامل سازمان سیاسی پیشآهنگ آن، بوسیله گروههای کوچك دارای سنین بسیار جوان شاگردان و محصلان، آنهم درمیان غلاف وتجرید شده از توده های وسیع خلق، نهائی ترین شعار های انقلابیگری‌را توام بانعره های «مرده باد ... ، ما‌انقلاب سرخ وخونین می‌خواهیم! مافرزندان صدیق رنجبران، خلقهاو توده‌ها و طبقات پائین هستیم ...» قهرمانانه (!) ایراد میدارند. عجیب است‌که سانسور چی های ارتجاع و پولیس دستگاه چرا پیروز مندانه لبخند میزنند ! آقایان جالب توجه است (!) عجب تراینکه اکثریت این آقایان رهبران (!) وقهرمانان (!) که مستقیماً وشخصاً مربوط به طبقات حاکمه افغانستان‌ـ‌اعم ازملاك‌فئودال، مشران قبیله، ارباب زاده، میر زاده، تاجر بزرگ‌دلال‌کمپرادور وپاماموران عالیرتبه دولت افغانستان درداخل وخارج وصاحبان کرسی‌های حساس دولتی و تشبثات خصوصی بوده اند، ازهمه‌بیشتر دادازفرزندان صدیق خلق‌ها وتوده‌ها و زحمتکشان میزنند وباداشتن ثروت های فراوان واستثمار دهقانان زحمتکش وسوابق درخشان (!) خویش دیگران را محکوم به طبقات حاکمه می نمایند. این آقایان از گذشت اصولی سوء استفاده کرده، بیوگرافی های جعلی برای خود تدارك می‌بینند وخاك را برلب مالیده خودراپرولتر وزحمتکش جامیزنند. به هرحال اشاره ما باین موضوع هیچگاه دلیل برآن نیست که این آقایان بنا بر سوابق کار وطبقاتی خویش درنظام فئودالی و دستگاه دولت افغانستان حق ندارند که رشته طبقاتی خودرا بگسلند وبه ایدیالوژی طبقه کارگر بگرایند. بالعکس هرگاه مابه این حقیقت که درهر شرایط یك‌فیصدی معین از نمایندگان دانشور طبقات دارا وروشنفکران بورژوازی میتوانند به جنبش رهائی بخش اجتماعی وسوسیالیستی بپیوندند، انکارکنیم، درواقعیت علی رغم اصول خلاق «چه باید کرد» به منجلاب فلسفه اپورتونیستی لغزیده ایم. زیرا بصراحت خاطر نشان گردیده است که آگاهی دموکراتیك وسوسیالسیم درکارگران «اصولا نمیتوانست‌وجود داشته باشد. این آگاهی را فقط از خارج (مطلب خارج از کارگران‌است. نویسنده) ممکن بود وارد کرد. تاریخ تمام کشورها گواهی میدهد که‌طبقه کارگر باقوای خود منحصراً میتواند آگاهی تردیونیونستی حاصل نماید، یعنی اعتقاد حاصل‌کندکه بایدتشکیل اتحادیه بدهد، برضد کار فرمایان مبارزه کند ودولت را مجبور بصدور قوانینی نمایدکه برای کارگران لازم است وغیره. ولی‌آموزش سوسیالیزم ازآن تئوریهای فلسفی ، تاریخی واقتصادی نشو ونما یافته است‌که نمایندگان دانشور طبقات دارا وروشنفکران تتبع نموده اند خود... موجدین سوسیالیسم علمی معاصر نیز از لحاظ موقعیت اجتماعی خود درزمرهٔ روشنفکران‌بورژوازی‌بودند.» می‌بینید آقایان! این اصول مترقی است‌که زبان تهییج‌وقلم تبلیغ مارا درباره ماهیت طبقاتی وسوابق شما وتشریح بیوگرافی واقعی شما بسته است. وگرنه طوریکه شمابغلط برما اتهام‌میزنید، مانیزمیتوانیم خرده‌کاری نمائیم وبادلایل‌مستندوحقایق مشهود جای سالمی برای تان باقی نگذاریم! ولی **چه باید کرد** که اصول و اخلاق عالیه مبارزه مترقی بما اتخاذ چنین شیوه‌ئی را اجازه نمی‌دهد !

(باقیدارد)

از (ص اول)

پرچم، ناشر اندیشه‌های...

سازد ووسیله وحدت سازمان‌ازحیث ایدیئولوژی باشد وازحیث تشکیلاتی عموم محافل و سازمانهای همفکر را قانوناً دریك سازمان براساس اتحاد عمل ومرام دموکراتیك خلق متحد گرداند وجهانبینی علمی رادرعرصهٔ مبارزات سیاسی وطن محبوب ما افغانستان مورد عمل قرار دهد .

برای تحقق این مرام نمایندگان وخبرنگاران وتوزیع کنندگان جریدهٔ خلق وظایف سنگینی را از لحاظ مراکز جذب وقدرت سازمانی بعهده خواهند داشت زیرا مبنی بر اصلی، جریدهٔ خلق نه تنها باید تبلیغ‌کنندهٔ دسته جمعی وبیدارکنندهٔ دسته‌جمعی توده های مردم باشد بلکه همچنین تشکیل دهندهٔ دسته جمعی‌پیشآهنگ خلقهای زحمتکش یعنی دموکراتیك خلق نیز باشد .»

بر اساس این اصول علمی که با درنظر گرفتن اوضاع و احوال سه سال قبل مبارزه در کشور، برمبنای تئوری پیشرو طرح گردیده بود، اکثریت قاطع نویسندگان جریدهٔ (خلق) که امروزه نگارندگان دایمی جریدهٔ مبارز پرچم ناشر اندیشه های دموکراتیك خلق افغانستان را تشکیل میدهند (ببرك (کارمل)، دستگیر پنجشیری، نوراحمد وکیل‌پنجوائی، سلیمان‌لایق، شرعی جوزجانی و مدیر مسؤول جریدهٔ خلق بارق شفیعی) مقالات وآثاری تهیه وبه نشر سپردند .

متأسفانه جریدهٔ (خلق) در اثر دسیسهٔ ارتجاع، بصورت غیرقانونی وغیر دموکراتیك ومخالف ارزشهای دموکراتیك قانون اساسی بشکل توطئه آمیز وعلی رغم دفاع مستدل، قانونی وعلمی فرکسیون دموکراتیك خلق درولسی جرگه، توقیف گردید و نتوانست بیش از (٦) شماره، خدمات ارزندهٔ خویش را در جهت تحقق هدفهای رهائی بخش ملی و اجتماعی خلق افغانستان ، باساس مرام نجات بخش دموکراتیك خلق وبر مبنای جهانبینی علمی دنبال نماید .

توقیف غیر قانونی جریدهٔ (خلق) وعدم محاکمه علنی وقانونی اینجانب (مدیر مسؤول آن) که‌قانوناً یگانه مسؤول و مدافع نشرات آن می‌باشم، هیچگاه وبرای یك لحظه‌هم مانع آن نگردید که پیشآهنگان دلیر ومبارزان سر سپرده اکثریت اصولی جریان دموکراتیك خلق افغانستان درراه بدست آوردن ارگان جدیدی برای این سازمان پیشآهنگ طبقهٔ کارگرکشور سعی‌کنند ودرین زمینه دست اندرکار مبارزه پیگیر واستوار شوند .

روشن است: آنچه به نفع خلق وبه تائید خلق ومطابق به اوضاع واحوال مبارزه ونهضت وبا استفاده اصولی ودقیق وحسابی از شرایط ، وسایل و منافذ قانونی ، بشدت وبصورت پیگیر تعقیب شود، امکان آن وجود دارد که قدرتهای حاکمه وادار به عقب نشینی گردند. روی این امکان بود که دستگاه حاکمه کشور نیز بالاخره دربرابر مبارزات جدی وپیگیر جریان دموکراتیك خلق افغانستان و موضعگیری قاطع واصولی و بهنگام فرکسیون پارلمانی آن و فشار افکار عامهٔ مردم، مجبورشد درپهلوی دوازده جریده وروز نامهٔ غیر دولتی دیگر، به نشر جریده ئی به عنوان (پرچم) ناشر اندیشه‌های دموکراتیك خلق افغانستان تن دردهد. چنانکه درطلیعهٔ بهار سال گذشته (١٣٤٧) نخستین شماره ارگان جدید جریان پیشآهنگ طبقهٔ کارگر کشورانتشار یافت وپرچم اندیشه های دموکراتیك خلق افغانستان در فضای آرزوهای درخشان خلقهای ستمدیده وطن محبوب ما، دراهتزاز درآمد .

پرچم، ناشر اندیشه های جریان دموکراتیك خلق افغانستان و مدافع سرسخت وبا شهامت منافع خلقهای محروم کشور، درطول حیات کوتاه مطبوعاتی خویش، درظرف بیشتر از یکسال گذشته بخوبی توانست مشی نشراتی جریان دموکراتیك‌خلق افغانستان راکه در شماره سوم جریده خلق (مقاله وسایل وراههاء) توسط ببرك (کارمل) فورمولبندی شده بود، باپیروی دقیق و استوار از اصول جهان بینی علمی و تحلیل اوضاع‌وشرایط مشخص‌عینی وذهنی، ملی وبین‌المللی کشور وبااستفاده از ارزشهای دموکراتیك قانون اساسی افغانستان، پیوسته و همگام باسیر نهضت رهائی‌بخش ملی و اجتماعی داخلی وخارجی وباتدبیر و پیگیری بی‌سابقه‌ئی‌انکشاف‌دهد ودرپیشاپیش جنبش ، نقش رهبری کننده وساز ماندهندهٔ خودرا با هوشیاری ودرایت کامل ایفا نماید .

پرچم خلق، درعمر کوتاه گذشتهٔ خویش، توانست‌درزمینه های‌اساسی مبارزه، خدمات درخشانی را انجام دهد، که بشکل فشرده وفورمولبندی شده، درمواد آتی خلاصه می‌شود :

ـ تبلیغ، ترویج ، تعمیم وتشریح اصول و مفردات مرامی دموکراتیك خلق افغانستان ،

ـ نشر خط مشی عمومی و جاری (مشی استراتژیك و تاکتیکی) جریان دموکراتیك خلق افغانستان ،

ـ نشر و پخش جهانبینی علمی، تئوری مترقی واندیشه های پیشرو عصر ما ،

ـ انعکاس رنجهای عظیم خلقهای زحمتکش افغانستان ،

ـ خدمت به امر بیداری شعور سیاسی واجتماعی خلق ،

ـ ایجاد روحیه و شور و شوق مبارزه در میان خلق ،

ـ افشای‌ارتجاع‌داخلی وامپریالیزم بین‌المللی ،

ـ تحلیل کلی تئوریك جامعهٔ افغانستان ازلحاظ اجتماعی،اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، طبقاتی وملی ،

ـ ایجاد تسهیلات در امور سازماندهی ،

ـ انعکاس دردها ، آرمانها، خواستها و مطالبات طبقهٔ جوان کارگر کشور وسایر زحتمکشان ،

ـ پشتیبانی و دفاع وسیع وهمه جانبه از نهضت های کارگری وجوانان کشور وجهان ،

ـ پشتیبانی از کمکهای اقتصادی وتخنیکی کشور های صلحدوست و مترقی وپیشآهنگ آن ،

ـ دفاع از جنبشهای آزادیبخش ملی ومترقی وجنبش آزادیبخش ملی خلق پښتونستان و بلوچستان ،

وهمچنان جریده پرچم خلق، این نشریهٔ کارگری کشور، توانست وظیفهٔ مبارزه ایدئولوژیك ، دفاع از اصول مترقی وجریانات وجنبشهای ملی ومترقی وکارگری را بدرستی انجام دهد. از یکسو افشاگریها، تخریبات، فتنه انگیزیها و اشاعهٔ اندیشه های زهرآگین عناصر ماجراجوی چپ نما را که علیه نهضت های اصیل مترقی جهان، صلح ودموکراسی و کشور های صلحدوست و بخصوص ناشر اندیشه‌های‌دموکراتیك‌خلق‌افغانستان صورت می‌گرفت ، بموقع وپیوسته خنثی سازد واز جانب دیگر ماهیت نشرات ارتجاعی دستوری طبقات حاکمه ومرتجعین داخلی وخارجی را افشا وتاثیرات آنرا تضعیف نماید .

با اینهمه ، آنانکه میخواهند باتلاشهای مذبوحانه ، پرچم خلق‌را از (خلق) جدا جلوه دهند، جز اینکه باخلع سلاح کردن خلق افغانستان از لحاظ ایدئولوژیك و سازمانی، به‌خدمت استبداد،ارتجاع وامپریالیزم این دشمنان کهنه کار واهریمن‌صفت خلق کمربسته باشند ودرراه رشد وتکامل‌این‌جریان‌مترقی سنگ اندازی کنند، ماهیت دیگری ندارند، ونتیجهٔ عمل شان همانست که ارتجاع و امپریالیزم و «سگهای زنجیری» ایشان انتظار می‌برند .

پرچم، به عنوان ناشر اندیشه‌های جریان دموکراتیك خلق افغانستان « ملکیت شخصی » کسی نیست وصاحب امتیاز آن (سلیمان لایق)نیز هرگز چنین ادعائی را نکرده و هم کرده نمیتواند، بنابرآن تمام افراد وحلقه های ترقیخواه دیگر که بمرام دموکراتیك خلق افغانستان واصول علمی مبارزهٔ آن، بخاطر به پیروزی رسانیدن مبارزات رهائی بخش ملی واجتماعی خلق های ستمدیده کشور ایمان واحترام داشته باشند، نیز میتوانند پرچم خلق را مدافع نظرات و مبارزات خویش قبول کنند وبااعتماد کامل بدور آن گرد آیند وبرای برآوردن آرمانهای عالیه خلق کارگر کشور، درجهت تأمین‌استقلال کامل ملی،آزادی، دموکراسی،صلح، ترقی اجتماعی ورفاه همگانی‌متحدانه مبارزه نمایند .

* * *

یاد داشت :

آنچه قابل یاد آوری است همانا ادعای **مالکیت شخصی** بناغلی محترم «صاحب امتیاز» جریدهٔ خلق، آنهم در پناه صورت قانون مطبوعات افغانستان است، که ما درین زمینه دعوائی نداریم و بدان احترام میگذاریم .

ګډ دښمن او ګډ سنګر

بناغلی گ .د. له صنعتی بغلان‌نه دیر چم‌به عنوان لیکلـی دی :«اوس چه‌د شوری دد پارلسمی‌دوری دانتخاباتو موده‌رالنده شویده، لـه‌بده مرغه دگران‌وطن‌شرائط داسی‌دی‌چه‌بیا هماغه پخوانی لیوان موقع پیداکړی‌اوخلکونه دامونه وغوړوی.وعدو او پیسو، دوږی کانواو رشوتودو کالت دنیو لوله‌پاره بیاسرراپورته کړی اود ځمکو او پیسو خاوندان‌لگیادی دلته‌اوهلته تلکونه‌ږدی.

بایدداخبره هیڅکله‌هیره نشی چه‌له‌اوسنیو ډیرو محدودو آزادیو څخه‌ترهر څه‌مخه محلی متنفذین،خوانین اود ځمکو، پیسو او شتمنی خاوندان‌زیاته استفاده کولای‌شی، داځکه‌چه زموږ دبزگرو طبقه‌او نورغریب خلك لاتراوسه پوری په ذهنی لحاظ (البته‌تراوسنیو شرائطو لاندې) وروسته‌پاتی ساتل شویدی‌اود هغوی لپاره دتشخیص مشکل‌دی‌چه‌څپل دوستان‌اوڅپل دښمنان سم وپیژنـی ،دا واقعیت دی‌چه لاتراوسه پوری دوطن دبزگرانو ډ طمع اکثریت دخانانو، ملکانو او بروکراتانوتر نفوذ لاندی‌دی اوپه انتخاباتو کی دهغوی‌ملاتړ کوی . البته دا تریخ‌واقعیت چه‌دشوری اکثریت بـه دافغانستان په اوسنیوشرائطو کی بیاهم دفیوډالیزم او دهغه دخامیانولاس ته ورځی ، دپوهیدو وړ دی.خودا دیربد احتمال دی چه دزیار ایستونکو مدافع کاندیدان له سره‌ونشی کولای چه حتی یو کوچنی(اقلیت)هم پارلمان ته‌واستوی.

له‌اوسنیو سیاسی شخړو نه بیا په نیره‌دوطن دمترقی فکره عناصرو او ګوندونو ترمینځ له اوسنیو بی اتفاقیو نه‌دا معلومیږی چه‌دوطن زیار ایستونکی به ونشی کولای‌چه حتی هغه نسبی اقلیت کوم‌چه پارلمان ته‌بی دافغانستان په‌اوسنی عینی اوذهنی زمینه کی ، دراتلو امکان شته دی، کامیاب کاندی. دمنو زینو ترمینځ اوسنی سیاسی اختلاف دا ښیی چه حتی د کاندید دمودی تبلیغات به‌هم شنډ، کمزوری‌اوبدنامه شی.داختلاف که‌څه هم تاسواونور ، هره توجیه دهغو په باره‌کی ولری، خوکله چه یو ړ په‌بل پسی خولی خلاصی کړی‌، هغه‌خلك چه‌یو نسبی تنور لری او اوسنیو زلمیانو نه خوشبین دی، لارورکه کاندی او مجبور شی چه‌بیا لاس‌ترزنی کینی اویاهم هغو پخوانیو لیوانو ته تن کیږدی.

که ځوك داهیله‌ولری‌چه کنځلی او تورونو تپل به ګټه ور وړسوی ، په غلط فهمی کی واقع‌شویدی. که ځوك رښتیا داهیله ولری چه خلکونه دی‌مفید واقع‌شی، بایدهغه لاره غوره کړی چه خلك یی خوښوی اود هغوی‌له غوښتنو سره‌برابره‌وی. باید اوسنی نفاق له مینځه ورك‌شی.

باید مفاهمه‌او حوصله، ګذشت‌او صبر په نظرکی ونیول شی. باید دافغانستان دخلکو عالی اخلاقـی معیار اود هغوی ضرورت‌یوه‌شیبه‌هم هیر نشی. باید ټول وطنپالونکی جریانونه دا ثابته کاندی چه‌ددوی کولای شی دوطن اوخلکو دنجات په‌خاطر پخپلو خاصو سیاسی ګټوباندی پښه کیږدی.اوسره‌نیږدی شی. خلك تل دا پوښتنه کوی چه ولی داسیاسی جریانونه پخپلو کی یود بل مری ته لویدلی دی؟داوضعه په خلکوکی دسیاسی جریانونو حیثیت او مستقبل ته سخته صدمه رسوی .

زموږ هیله دا ده چه ژرتر ژره‌دی دافغانستان دخلکوپه ګټه داپی‌اتفاقی اوبی‌ثمره جنجالونه پای ته ورسیږی اود شریك دښمن په‌مقابل کی دی، شریك سنګر جوړ شی . اوکه‌داسی ونشی هیڅ خوا به له دی هرج‌اومرج نه‌ګټه‌وانخلی اود افغانستان خلك به اعتماد پی باندی ونکړی .خلك‌به عاقبت خپله لار ومومی مګر تاریخ به‌هغه کسان او ډلی ونه بخښی چه دخلکوپه ګټه‌مساعد شرائط یـی دخانګړی ګټمی له پاره تباه کړی او برباد کړی‌وی.

دردها، شکایتها واعتراضات خلق

ریاست های تصفیه املاك یا درد بیدرمان دیگری بر پیکر خلق

مردم برمالیات غیرعادلانهٔ اراضی اعتراض میکنند

باوجود ضعف بنیهٔ مالی کشور، دولت دراثر تمایل‌واعمال نفوذیکعده بروکراتان منفعت جو، ظاهراً بعنوان تصفیهٔ امور املاکی به تشکیل ریاست های تصفیهٔ املاك دست زد. یعنی باوصفیکه درهرولایت تشکیلات طویل وعریضی بنام محاکم عدلی، مستوفیت ها وادارات املاکی وجود داشت، ریاست های تصفیه املاك‌را باتشکیلات تازه، مصارف موتر وتیل و . . . منظور وایجادکردند. تقریباً درمدت ده سالیکه این ریاست ها بوجود آمده است،دیگر کسی‌نپرسید که این ریاست ها چه کار هائی را انجام داده وچه سهولت هائی درکار دولت ومسائل خلق زحمتکش بمیان آورده اند،چه مقدار اراضی دولتی‌را ازکام اژدرهای زمین گیر برون‌کرده وچه مبلغ مالیاتی را بر متصرفات بی‌سند زمین داران‌بزرگ وضع‌نموده اند ؟

این تشکیلات نه تنها گرهی از مشکل‌خلق‌نکشوده، بلکه گره‌برگره‌او افزوده ودام بردام دیگر چیده است. بطور مثال در ولایت سابقه قطغن درسال ١٣٣٣ دولت تصمیم گرفت تازمین هاییراکه از زمانهای گذشته بصورت خرابه ها، جنگل زار ها وباتلاقها باقیمانده و درقید مالکیت اشخاص نمی‌باشد برای مردم‌بی‌زمین ونادار فی‌نفر (٢٠) جریب، از قرار فی جریب (١٠) افغانی فروخته‌شود، تاازطرفی خرابه ها آباد واز جانبی مالیات دولت تقویه شود. همانبودکه دهقانان بی زمین وزحمت کشان‌نادار از هرگوشه و کنار رو بسوی این زمین‌ها آورده وهرچیزی از جنس و مال در اختیار داشتند فروختند ودر کار آباد کردن زمین مصرف نمودند، حتی عده‌یی نسبت شرائط نامساعد محیطی وفقر بسیار شدید تلفات جانی وحشتناکی را متحمل شدند ـ اما وقتیکه جبه ها ونیزارها آباد شد ، زمین های وحشی حاصل داد و طبیعت یاغی از برکت نیروی بازوی زحمتکشان سرملایمت گرفت، بیروکراتان بیرحم نیرنگ هاریختند وقیمت اراضی‌آباد شده‌را ازفی‌جریب (١٠) افغانی به (٥٠٠) افغانی بالا بردند وپول را تحت تحصیل گرفتند. ولی ریاست های تصفیه املاك گل تازه یی به آب دادند، باین‌معنی که بتایید از زمین داران بزرگ، اکثر این اراضی آباد شده را به بهانه‌های گوناگون تحت دعاوی ملاکان ستمگر قرار دادندودرقضایابضررزحمتکشان وبه نفع فیوډالان وملاکان موضعگیری کردند. نتیجه چنان شدکه عدهٔ‌کثیری از زحمتکشان که شیرهٔ جان شان درراه آبادی خرابه ها خشکیده بود، دوباره آواره شوند وآشیانه های فقیرانهٔ خود را از دست بدهند. زمین های آباد دوباره بزمین های بایر تبدیل گردند. مالیات پا درهوا بماند ـ سیرها سیر تر شوند وگرسنگان گرسنه تر .

اینبود شمهٔ کوچکی از نتائج کار ریاست های تصفیهٔ املاك وزارت مالیه که چون درد بیدرمانی بر پیکر خلق نجیب وزحمتکش کشور ما چسپیده اند .

واماراجع‌به‌مالیات اراضی‌بایدگفت: که هرگز این مالیات عادلانه نبوده غالباً به نفع طبقات ستمگر وملاکان بزرگ مطابقت میکند. دربعضی مناطق که مردم حداکثر ده جریب زمین زراعتی‌دارندوغالبآزمین‌های‌شان سفیده کاری، یك فصله و باغی میباشد، مالیهٔ اراضی از فی جریب (٤٠) افغانی‌الی‌فی جریب(٥٠)افغانی میباشد، اما در مناطق دیگریکه زمین های‌دوفصله وخیلی حاصل‌خیز دراختیار ملاکین بزرگ قرار دارد ، مالیه اراضی‌ازفی‌جریب (١٠) افغانی الی (٢٠) افغانی میباشد. در بعضی از مناطق املاك بسیار وسیعی بتمسك کدام فرمان مشکوك‌که بچند قرن قبل تعلق‌دارد وهمچنان‌باستناد بعضی اسناد زمان ملوك الطوایفی (تسلط میرها) اراضی بسیاروسیعی مثلاشمالا محدود بفلان‌کوه و جنوبا بفلان دریا، تحت‌دعاوی‌ملاکان بزرگ واقع شده وباین وسائل دشت ها، چراگاهها وحتی جنگلات وکوهها در تصرف این ستمگران درآمده وبدون تأدیه حتی یك پول‌مالیه مورداستفاده آنان قرار دارد. درحالیکه در همین مناطق صدها فامیل دهقان در فقر کشنده وشرایط بسیار دشوارزندگی میکنند .

مردم بشدت آرزو میبرند که ملکیت های اراضی غیر قانونی‌وغیر مشروع که از راه دستبرد وحیله و غارت بدست آمده مصادره گردد واصلاحات ارضی به نفع دهقانان صورت گیرد .

مردم میگویند: بدوسیه سازیهای جعلی املاکی‌که بهمکاری ریاست‌های تصفیه بنفع ملاکان بزرگ ترتیب میشود خاتمه دهید .

مردم برمالیات غیر عادلانهٔ ارضی اعتراض میکنند .

غلام دستگیر یوسف زایی
از ولسوالی خان آباد

قانون‌شکنی واستبداد

آزادی وحقوق مردم درهٔ صوف‌را زیرپا نموده است

بجریدهٔ پرچم، ناشر اندیشه‌های دموکراتیك خلق !

لطفاً اعتراض‌اینجانب را برقانون‌شکنان ادارات دولتی ،صاحب رسوخان وفیودالان محلی نشر نموده و بااینوسیله فریاد یك دهقان مظلومرا انعکاس دهید.

پدر من که‌هشتاد وپنج سال عمرداشت، دراثر عرق ریزیهای طولانی‌سی وپنج سال قبل‌چندجریب زمین للمی راخرایداری کرد، چندی قبل یکی ازثروتمندان محل بدان چشم‌دوخت وآنرا تحت دوسیه ودعوی آورد.

داستان زمین را میگذاریم سرجایش ،می‌اییم باجراآت ولسوال‌الصاحب محل. بتاریخ (١٤) حمل ولسوال درهٔ‌صوف بخاطراینکه همین دهقان (٨٥)ساله‌رامجبور‌به‌انصراف از حقوقش نموده باشد ،اورا خلاف دساتیر قانون وبدون فیصله کدام محکمه باصلاحیت ویاارجاع قضیه بمحکمه ،تحت شرائط بسیار ناگوار دراتاقهای مرطوب محبوس نموده و بیچاره بدون بستر وکالا روز هادر آنجا باقی ماند. اسپ پاکش او نیز تامطلع شدن من،مدت‌سه روز بدون علوفه بسته ماند.

ولسوال که یك شخص بسیار سالخورده ودارای شیوهٔ‌تفکر کهنه است، برایش مشکل است درك نماید که‌رعایت قانون عمده ترین وظیفه اوست. اوهنوز اینرانمیداند که بعداز ایجاد قانون اساسی اخیر کشور وتفکیك‌قوا صلاحیت های‌وی توسط قوانین تحدید وتعیین شده است .اونمیداند وهرگز نمی پذیرد که‌این اجراآتش خلاف مادهٔ (٢٩) قانون اساسی ومادهٔ (٢٩٨) اجراآت حقوقی ومادهٔ (٢٦) قانون اساسی ومادهٔ (١٠) اجراآت‌توقیفی میباشد. اونمیداند که نباید در دعاوی حقوقی‌بمجازات وزندان دست بزند. اونمیداند که‌مرجع دعاوی و محل حل وفصل آن محاکم عدلی است ،نه دفتر ولسوال ها واارادهٔ شخصی ایشان.

ازینجهت است‌که‌باروش ظالمانه وحتی تبعیضی خودش پدرمن ودهها هموطن دیگر را مورد مجازات غیر قانونی واهانت قرار میدهد واز روشهای مستبدانهٔ دیروزه پیروی میکند.

ازعمل اوبرمی‌آید که‌وی مصونیت قانونی افراد را نمی شناسد وبدان اعتناء ندارد.

باین مناسبت من‌اعتراض شدید خودرا برمقامات مربوطه وارد میکنم وتقاضا مینمایم تامردم‌مظلوم وبیدفاع ودهقانان مارا اززیرضربات‌مستبدانه اینگونه ادارچیان ظالم رهایی بخشند وگلیم این‌کهنه کاران راکه هرگز زیر نفوذ وحدود قانون نمی آیند، برچینند.

من ازمقامات مربوط میخواهم تا برای حفظ حیثیت پدر موسفید و دهقان من ودهها مظلوم دیگر این حاکمان ظالم را بازنجیر قانون مهار نمایند.

اسدالله دهقان زاده ازدرهٔ‌صوف

ښوونځی دی که‌دکان ؟

موږ دلته‌دلوگردزرغون‌ښار، دعلی خیلوپه سیمه کی دنجونو یو کښیوالی ښوونځی لرو.دا‌ښوونځی څپل زده‌کوونکی له‌دریم ټولګی نه فارغوی. زما یوه لوروهم سږ کال‌له همدی ښوونځی‌نه فارغه شویده. له‌بده مرغه ددی ښوونځی زیاتره فارغانی داسی بیسواده او ناپوه‌دی چه‌لکه هیڅ ښوونځی‌ته نه وی‌تللی. ما له خپلی لوړ نه دهغی ددرسونو پوښتنه وکره‌خوهغه‌خواږ کی‌بالکل نه پی پوهیده، کله چه‌می له‌هغی‌نه دناپوهی علت وپوښتنه. هغی‌وویل چه: موږ ته زموږ«کفتان» درس‌دا‌کوی اوموږ خو ښوونځی نلرو . زموږ‌معلم صاحب خو پخپل دکان‌کی وی . هغه دتونو په‌وخت کی، دتوتودخوږلو لپاره ښوونځی ته راځی ، په نورو وختوکی ډیر نه راځی.

زما یوه‌بله لور چه‌پدی ښوونځی کی‌ده، اوس اکثر ښوونځی‌ته‌نه ځی، کله چه‌مونږ پوښتنه ځنی کوو،هغه وایی چه‌معلم صاحب هم‌نه راځی او موږ‌ته‌هم خوك خه نه وایی .

دماشومو نجلیو ساده توضیحات واقعیت لری ، ښاغلی ښوونکی دیوه ملك زوی دی، هم‌دکانداری کوی، هم معلمی‌او هم یی خپل کورپه‌همدی ښوونځی باندی کرایه کړیدی .

مورله‌معلم صاحب سره حساب نه کوو، زموږ دخبرو مخه دپوهنی وزارت اود کلیودپراختیا ریاست ته‌ده، موږ‌ حق‌لرو له‌دی مراجعو څخه پوښتنه‌وکړو چه‌ددوی ولی دهیواد دبچیانو په روزنه اوتعلیم باندی‌توجه‌نه کوی اوولی دهیواد له‌دی‌اساسی‌مسألی‌سره بی علاقی پاتی شویدی.

موږ نشو کولای دخپل اولادله مستقبل او سرنوشت سره بی علاقی پاته‌شو او پدی برخه کی‌څپل مسؤولیت هیر کړو .

مورله‌همدی کبله په‌مربوطو مراجعو اعتراض کوو او پدی برخه کی‌یی مسؤول بولو .

موږ په‌لوړه وایو چه‌دافغانستان دخلکوپیسی دی په‌داسی‌مواردو کی بیځایه نه خرځیږی .

ع.ب

بزگران لوټ کیږی

دنیاله افسانونه ډکه ده، خوزموږ دهیواد واقعی پیښی‌او حوادث دومره حیرانوونکی دی چه‌ته‌به‌وایی دا هم خیالی افسانی دی او واقعیت به نلری .

دوطن زوی‌که‌هر څومره لمن‌را‌ټوله کړی او ګوښی شی بیاهم ژبه نشی ترلای اومجبوریږی‌چه دی دردوونکو پیښوته ګوته ونیسی ، دا وطنی ماموریت دی او دوطن نه سری سترګی‌نشی پټولای .

خوار بزگر د فیوډالانو تراستثمار لاندی ډوب شو. لوږی‌او رنځ یی ګریوان‌ته لاس واچاوه، په کورکی‌یی هر څه خلاص شول .هماغه یوه‌لنګه غوا وړپاتی‌شوه اودهغی شدو نه کیناستل .

دکور میرمنی بزگر‌ته مشوره ورکړه چه غوا ښار ته‌بوزی،خرڅه‌یی کړی اوماشومانوته څه خرڅی اووره رانیسی .

خوار‌کی‌بزگر غوا ترمخ کـړه، کړی ورځ‌یی منزل زاووا هه‌اوماښامی د(سپین بولدك) په علاقه کی دخپل پیر ځای‌ته راورسیده .دلته‌یی‌دښمی تیرولو خیال‌درلود. سبا‌به‌یی‌بیادښار لاره‌وهله.

اجل‌نیولی بزگر پداسی حال کی دپیر صاحب ځای ته‌راورسیده چه هغه هلته دخپلو مریدانو په یوه‌ټوله کی ناست وو. څنګه چه‌یی سترګی په بدمرغ مرید ولویدی، په ډیرشوق یی مریدانو ته‌مخ واړاوه او وی‌ویل: تاسی‌خوددی بزگر اخلاص وګوری‌ء چه څنګه زما په ضرورت پوه شویدی او لنګه غوا یی را ترمخ کړیـده. پلانی خانه ستړی مشی ، دا خو دی عجب کرامت کړیدی چه‌زما‌په‌ضرورت پوه‌شوی. زمونږ غواوی ټولی وچی شویدی. دا وخت یی خپل یوه مزدورته امروکړ چه غوا سمدستی کورته‌نه‌ننه باسه او تازه واښه وروا چوه .

خوار بزگر‌هلته‌دمریدانو په‌حلقه‌کی هك اوپك کیناست او له شرمه یی داونښووېلای چه‌غوامی خرڅلاو ته راوستی‌ده . په زړه‌یی دغمونو‌تالان کڅ شو او سبا یی‌دوخته تش لاس بیرته کور ته لاړ . خو کله چه دده میرمن په‌حقیقت‌پوه‌شوه، له‌ځ‌اورلمبه داغا صاحب دکور په لور وخوځیده اوهغه ډیر په غوا باندی ټینګ شو، خو هغی‌میرمنی غوږ ورته ونه نیو اوغوایی په مخ روانه کړه .

دادی‌دځینو استثمار ګرو عناصرو دژوندواقعیت چه‌په تزویر او حیله‌یی دخلکو له پاکو احساساتو څخه استفاده کړیده‌او کوی یی.

محمد‌اکبر. اڅکزی.

حیات شاگردان مکتب نسوان

خان‌آباد در معرض خطر است

درشماره (٤٩) سال گذشتهٔ پرچم ،شکایتی ازطرف متعلمات مکتب نسوان خان آباد نشر شده بود. درآن شکایت تذکر رفته بود که عمارت‌مکتب بعلت کهنگی و فرسودگی تحت خطرسقوط قرار گرفته واحتمال غالب میرود که‌باعث حادثهٔ خونین ومرگ المناك و ناگهانی یکعده ازدختران شود . علاوتاً مقابل دروازهٔ مکتب یکی از متنفذان محلی کافه‌ئی ساخته است که‌درآنجا اشخاص بیکار ومزاحم می‌نیشنند وباعث ایجاد بینزاکتی‌ـ هائی دربرابر متعلمات میگردند. آن تذکر پرچم صرف اینقدر تأثیروارد کرد که اولیای امور معارف اینجا درب مکتب را ازمقابل رستوران بسمت شمال‌مکتب‌نقل دادندووضع از بد، بدترشد، زیرا قبلا متعلمات تنها ازقبال‌رستوران عبور میکردند واکنون می‌باید ازمقابل محبس و رستوران هردو عبور نمایند.

ازپرچم ناشر اندیشه های دموکراتیك خلق افغانستان تقاضا میکنیم یکبار دیگر آواز مارا بلند نموده وابلاغ نماید که از سقف و دیوار های‌اکثرصنوف مکتب نسوان خان‌آباد خاك وتوته‌های‌چوب میریزد وبسیار احتمال دارد که روزی این دیوار ها وسقفهای شکسته حیات عده‌ئی از شاگردان این مکتب را از بین ببرد.

مایکبار دیگر بخاطر حفظ جان شاگردان وجلب توجه معارف ورفع مسؤولیت ازخود، این یاد داشت را سپردیم وبه آهنگ بلند میگویم‌که «جان متعلمات نسوان خان آباد در خطر است!»

پیغله .ا. ازخان آباد